



## Methodology of Authenticating Narratives from the Perspective of Sunni Scholars \*

Mehdi Gholamali<sup>1</sup> and Hamid Mohammadi<sup>2</sup>

### Abstract



One of the most significant challenges facing scholars of both denominations i.e. Shia and Sunni is the authentication of hadith chains. This research seeks to answer the question: What method have contemporary Sunni hadith scholars chosen for authenticating hadith narrations? To what extent do they rely on the science of hadith transmission (ilm al-riwayah) and how much do they rely solely on the rulings of their predecessors? To obtain the opinions of Sunni scholars, references have been made to the works of both early and contemporary scholars. This paper has been developed using a library research method and a descriptive-analytical and research approach. In this study, it was found that the methodology of contemporary Sunni scholars in authenticating narrations is mostly book-centered. They generally classify hadith into three groups. The first category includes hadiths from the Sahih collections, the most famous of which are Sahih al-Bukhari and Sahih Muslim. Scholars accept the hadiths from these two books without any objection and have contemplations regarding other Sahih collections like Sahih Ibn Hibban, Ibn Asakir, and Ibn Khuzaymah. The second category consists of hadiths whose predecessors have evaluated and determined the authenticity of their chains of transmission, such as the four Sunan collections. Contemporary scholars rely on the rulings of narrations authenticated by previous Imams and consider their opinions valid. The third category includes hadiths that do not fall into the previous two categories. The narrations in this category are examined based on the principles of matn (content) and isnad (chain of transmission) in five stages, and their rulings are issued accordingly.

**Keywords:** Authentication, Sunni Narrations, Isnad Studies, Mahmud Tahhan, Sahihain (Sahih al-Bukhari and Sahih Muslim).

---

\*. **Date of receiving:** 21/05/2023, **Date of approval:** 23/01/2024.

1. Assistant Professor, Department of Sciences and Teachings of Hadith, Quran and Hadith University, Qom, Iran (Corresponding Author): mahdigh53@gmail.com.

2. Ijtihad (Dars e Kharij) Level Student in Jurisprudence and Its Principles of Islamic Seminary of Qom and PhD Candidate in Quran and Hadith, Meybod University: hamid387387@gmail.com.



## روش‌شناسی اعتبارسنجی اسناد روایات از دیدگاه اهل سنت\*

مهدی غلامعلی<sup>۱</sup> و حمید محمدی<sup>۲</sup>



### چکیده

از مهمترین چالش‌های پیش روی عالمان فریقین، اعتبارسنجی اسناد احادیث است. پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ به این پرسش است که: حدیث پژوهان اهل سنت معاصر، چه روشی را برای اعتبارسنجی احادیث برگزیده‌اند؟ ایشان تا چه اندازه به سندشناسی روی می‌آورند و تا چه میزان تنها به احکام پیشنهادی اعتماد می‌کنند؟ برای به دست آوردن نظرات عالمان اهل سنت به آثار متقدمان و متأخران رجوع شده است. این نوشتار با روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی - تحلیلی و پژوهشی شکل گرفته است. در این پژوهش دریافته‌ام که روش عالمان اهل سنت معاصر در اعتبارسنجی روایات بیشتر کتاب محوری است. ایشان به طور کلی احادیث را در سه گروه دسته‌بندی می‌کنند. دسته نخست، احادیث کتب صحاح که مشهورترین آنها صحیح بخاری و صحیح مسلم است. محدثان، احادیث این دو کتاب را بدون هیچ‌گونه خدشه‌ای می‌پذیرند و درباره دیگر کتب صحاح - مانند صحیح ابن حبان، ابن السکن و ابن خزیمه - تأملاتی دارند. دسته دوم، احادیثی است که متقدمان آنها را ارزیابی و حکم اسناد روایات را مشخص کرده‌اند مانند کتاب‌های چهارگانه سنن. محدثان معاصر به حکم روایاتی که ائمه پیشین جرح و تعدیل داده‌اند، اعتماد می‌کنند و نظرات ایشان را صائب می‌دانند. دسته سوم از احادیث، روایاتی است که در دو دسته پیشین قرار نمی‌گیرد. روایات این دسته بر اساس قواعد درایه و رجال در پنج مرحله مورد بررسی سندی قرار می‌گیرد و حکم آن صادر می‌شود.

واژگان کلیدی: اعتبارسنجی، روایات اهل سنت، سندشناسی، محمود طحان، صحیحین.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۰۲.

۱. استادیار، گروه حدیث دانشکده علوم و معارف حدیث دانشگاه قرآن و حدیث قم، (نویسنده مسئول): mahdigh53@gmail.com.

۲. طلبه درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد یزد: hamid387387@gmail.com.



## مقدمه

احادیث پیامبر اسلام ﷺ برخلاف قرآن تا مدت‌ها با نقل سینه به سینه روایان بر زبان‌ها ماند تا آنکه در کتاب‌ها ضبط گردید. آنچه موجب اعتماد بر احادیث شد، همانا اعتماد بر ناقلان حدیث بوده است. از این رو عالمان برای ارزیابی صدور روایات مجموعه‌ای از قواعد و ضوابط را تأسیس کردند که یکی از فروع آن به نام «علم رجال» سامان یافت که مذاهب مختلف در این قواعد با یکدیگر اختلاف دارند. آشنایی با این ضوابط در مذاهب مختلف، می‌تواند راهگشا و شناختی دقیق‌تر و عمیق‌تر از حدیث و رجال حدیث باشد. همچنین آشنایی حدیث‌پژوهان مذاهب مختلف با مبانی و شیوه ارزیابی صدور روایت و نحوه مراجعه آنان به منابع، خود امری مهم و قابل توجه است. بسا احتجاجاتی که صورت می‌گیرد با اندکی کاوش، خطابودن و بطلان آنها روشن می‌شود؛ ممکن است اهل سنت به وجود روایتی در «کتب اربعه» شیعه احتجاج کند و آنها را قطعی الصدور تلقی کنند، غافل از آن که شیعه هرگز چنین اعتقادی درباره احادیث کتب اربعه ندارد. و همچنین امکان دارد حدیث پژوه شیعه به بررسی روایات کتب صحیحین پردازد و حال آن که عالمان اهل سنت این دو اثر را بی‌نیاز از واکاوی سندی می‌دانند. بر این اساس، بر دانش پژوه شیعی لازم است که برای تکمیل نقد و بررسی خود درباره روایات اهل سنت به مبانی و روش‌های آنان مسلط باشد، تا بتواند استدلالی دقیق و کامل ارائه دهد. آنچه در پیش رو دارید، روش معتبر اعتبارسنجی اسناد احادیث نزد مشهور اهل سنت است.

آثاری که به مباحث سندشناسی در اهل سنت مبادرت ورزیده عبارت‌اند از: ۱. «دراسة اسانید الحدیث الشریف»، علی نایف بقاعی؛ این اثر در پنج فصل تنظیم شده است: فصل اول درباره روش تمییز راوی که همان تمییز مشترکات است و فصل دوم درباره عدالت و ضبط راوی که دو شرط از شروط راوی است و فصل سوم درباره اتصال سند و فصل چهارم در مورد دو شرط از شروط صحت حدیث که خالی بودن روایت از شاذ و علل و فصل آخر احادیثی که از حیث سند ضعیف هستند ولی سندهای دیگر آن را تقویت می‌کند، بحث کرده است؛ ۲. «الارشاد الی کیفیت دراسة الاسناد»، رضا بن زکریا بن محمد بن عبدالله حمیده الشراقوی الازهری. مؤلف در این کتاب به برخی از مسائل سندشناسی و قواعد رجال اهل سنت پرداخته است؛ ۳. مقاله‌ای با نام «آموزشی نوین در اعتبارسنجی روایات نقل شده از پیامبر» در فصلنامه علمی — تخصصی جبل المتین شماره سی و سوم و سی و چهارم، بهار و تابستان ۱۴۰۰ به قلم جهانگیر ولدبگی — از اساتید حدیث اهل سنت ایران — به رشته تحریر در آمده است که نویسنده به روش سندشناسی اشاره‌ای نکرده است.

در میان صاحب نظران شیعه نیز آثاری به چشم می خورد که ذیلا به آنها اشاره می شود: ۱. «درسنامه رجال مقارن نجم الدین طبری»؛ موضوع واحدی را بحث نکرده است بلکه کلیاتی نظیر معرفی کتب رجالی فریقین، آشنایی با علمای رجالی، آشنایی با کتب حدیث و... و بحثی در مورد سند شناسی ندارد؛ ۲. رجال تطبیقی مهدی اکبر نژاد؛ در این کتاب بیشتر در مورد پیدایش علم رجال و سیر تکامل آن در بین فریقین بحث شده است و در فصل آخر در چهار موضوع مشترک رجالی تعارض جرح و تعدیل، شرائط راوی، طبقات راویان و عدالت صحابه در نگاه فریقین بحث شده است و در مورد سند شناسی بحثی ندارد؛ ۳. رساله «راهکارهای استفاده از قواعد رجالی اهل سنت در بحث های بین مذهبی با آنها»؛ محمد جواد، حاجی ابوالقاسم دولابی این رساله سطح چهار در حوزه علمیه قم نوشته شده است، این رساله تنها به بیان قواعد تصحیح سند روایت در نزد اهل سنت پرداخته است. در هیچ کدام از کتاب های پیشین، روش بررسی سند و سندشناسی نیامده است بلکه در بهترین آثار فوق تنها به برخی قواعد رجالی قابل استفاده در سند شناسی اشاره شده است.

### الف. روش ارزیابی اسناد احادیث

عالمان اهل سنت در ارزیابی اسناد امروزه «کتاب محور» هستند. به بیان دیگر اعتبار و جایگاه یک کتاب می تواند تأثیر گذار بر تمام اسناد روایات آن اثر باشد؛ به عنوان نمونه چنانچه حدیثی در یکی از کتاب های «صحاح» آنها باشد، نیازی به بررسی سندی ندارد. حدیث پژوهان اهل سنت به ائمه حدیث که در قرن های اولیه تألیف کتب حدیثی داشته اند، اعتماد دارند و گفتار آنها در مورد اعتبار سنجی احادیث حجت می دانند؛ زیرا قائل اند آنان درباره علم جرح و تعدیل و حدیث، آگاهی شایسته داشته اند و از آن جا که به زمان صدور نزدیک بوده اند و در زمان خود راویان زندگی می کرده اند، جرح یا تعدیل آنان بسیار درخور توجه است. شیوه و منش ائمه حدیث در قرون اولیه نگارش حدیث، بر بازگویی حکم حدیث بوده است. از نظر اهل سنت، حکم ائمه حدیث، درباره احادیث، بسیار مهم است و باید حکم آنان را پذیرفت؛ زیرا اهل سنت معتقد هستند نیازی به اعاده بحث نیست و متقدمینی مثل مسلم و بخاری یکبار این کار را انجام داده اند. و اگر در کتب سلف چیزی بر اعتبار حدیث نیافتند به بررسی سندی روی می آورند (طحان، ۱۴۱۷: ۱۸۲).

حدیث پژوهان معاصر مثل محمود طحان بر این باور هستند که مباحث مربوط به سند شناسی را می توان در سه گام صحیح دانستن احادیث کتب صحاح، صحیح دانستن احکام ائمه حدیث در اعتبارسنجی روایات و بررسی اسناد روایات فاقد حکم را پی گرفت (همان، ۱۸۱).



## گام اول: صحیح دانستن احادیث کتب صحاح

عالمان اهل سنت در مرحله نخست به کتب صحاح مراجعه می‌کنند و هر حدیثی که در این مرحله یافت شود، بدون کوچک‌ترین اشکال و ایرادی آن را صحیح می‌شمارند. البته فرق است بین حدیث صحیح و حدیثی که معمول به است. چه بسا حدیثی در مهم‌ترین منابع حدیثی و صحاح باشد که بزرگان به آن عمل نکرده‌اند به دلایل قرائنی که در دست داشته‌اند. این نکته قابل تذکر است که کتب صحاح در یک رتبه نیستند، بلکه دارای مراتبی است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

### دسته اول: صحیح بخاری و مسلم

در این دسته دو کتاب صحیح بخاری و مسلم به دلیل اهمیت ویژه‌ای که دارند، در دسته اول قرار گرفته‌اند. و از نظر اهل سنت هر حدیثی در این دو کتاب ذکر شده باشد، از نظر سندی و متنی هیچ مشکلی ندارد و از این رو از بررسی بی‌نیاز است؛ چون بخاری (م ۲۵۶ق) و مسلم (م ۲۶۱ق) ملتزم بوده‌اند که احادیث صحیح را در این دو کتاب جمع آوری کنند که رجالش ضعیف و متروک نباشند و نیز خالی از علت مخفی، باشند که حدیث داری علت به صحت حدیث ضرر می‌زند. از سوی دیگر افزون بر ادعای نویسندگان این آثار، اجماع امت اسلامی (تنها مذاهب اهل سنت) بر صحت ادعای آنها و تلقی به قبول کردن این سخن افزوده است.

بخاری تصریح دارد که در کتابش تنها احادیث صحیح را آورده است (بخاری، ۱۴۱۰: ۴۰/۱). و همچنین مسلم بن حجاج بر این باور است که هر حدیث صحیح را در کتابش نیاورده است بلکه حدیثی را که همگی بر صحتش اجماع دارند را، در کتاب خویش روایت کرده است (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲: ۳۰۴/۱). در اینجا لازم است برخی از نظرات عالمان اهل سنت درباره این دو کتاب ذکر شود تا جایگاه ویژه این دو اثر در نزد آنها مشخص شود:

۱. محیی‌الدین النووی (م ۶۷۶ق) بر این عقیده است علماء اتفاق نظر دارند بر اینکه صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن، صحیح بخاری و صحیح مسلم است که امت، آن دو را تلقی به قبول کرده‌اند، ولی صحیح بخاری از صحیح مسلم، صحیح‌تر و فایده‌اش بیشتر است (النووی، ۱۳۹۲: ۱۴/۱).
۲. ابن تیمیة حرانی (م ۷۲۸ق) — پایه‌گذار وهابیت — بر این عقیده است صحت این دو اثر مورد اتفاق علمای حدیث است که صدور تمام روایات از رسول اکرم ﷺ در صحیحین قطعی است (الحرانی الحنبلی، بی‌تا، ۲۵۶/۱). وی همچنین این دو کتاب را بعد از قرآن، صحیح‌ترین کتاب قلمداد کرده است (همان، ۳۲۰/۲۰).

۳. شمس‌الدین سخاوی (م ۹۰۲ق) از اسفرانثی نقل می‌کند که وی بر این نظر بوده است اهل فن اجماع دارند اخباری که در صحیح بخاری و مسلم آمده، از نظر متن و اصول، صحت آنها قطعی است و هیچ‌گونه اختلافی در آنها نیست و اگر اختلافی هم باشد در طرق و راویان آنها است؛ پس حکم هرکسی مخالف یک خبر از این دو کتاب باشد، و تأویلی هم نباشد که حکم او را تجویز کند، ما حکم وی را نقض می‌کنیم؛ چرا که امت اسلامی این روایات را قبول کرده‌اند (السخاوی، ۱۴۰۳: ۵۱/۱).

۴. سید صدیق حسن قنوجی (م ۱۳۰۷ق) از ابن‌کثیر (م ۷۷۴ق) نقل می‌کند که وی بر عقیده بوده است که به سبب قرائت «صحیح بخاری» از ابر، طلب باران می‌شود و اهل اسلام بر قبول آن و صحت آنچه در آن است اجماع کرده‌اند (الحسینی البخاری القنوجی، ۱۴۰۵: ۱۷۹).

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آیا احادیثی که در هر دو کتاب، آمده است صحیح شمرده می‌شود یا اگر حدیثی تنها در یکی از این دو کتاب نقل شده باشد نیز مهر صحت بر آن زده می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که اگر حدیثی را هم مسلم و هم بخاری در کتابشان نقل کرده باشند، آن حدیث مورد اتفاق است و صحیح‌ترین حدیث نزد اهل سنت است. در درجه بعد حدیثی که تنها بخاری بیاورد سپس حدیثی که فقط مسلم آورده باشد (النووی، ۱۴۰۵: ۲۸). و همچنین افرادی هم که در سلسله سند این احادیث قرار دارند، از هر جهت پاک و معتبرند (العسقلانی، ۱۴۰۸: ۳۸۱؛ بدرالدین، ۱۴۱۹: ۳۴۸/۳).

محمود طحان نیز مثل بزرگان اهل سنت بر این عقیده است هر آنچه در این دو کتاب آمده است صحیح است. وی علت اینکه عالمان اهل سنت اهتمام ویژه‌ای بر صحیحین دارند را اینگونه توضیح می‌دهد:

آنان در این فن ماهر و اطلاع‌زیادی بر قواعد این فن، شناخت از علل الحدیث که بحث مشکلی است، داشته‌اند از این رو حکم اسانید و متون را مشخص کرده‌اند و نیازی به اعاده بحث نیست و اگر کسی بخواهد کاری که مسلم و بخاری در زمینه احادیث انجام داده‌اند، تکرار کند، مانند کسی است که بخواهد آب دریا را بکشد! حال آنکه این کار شدنی نیست (طحان، ۱۴۱۷: ۱۸۱).

پس وجود حدیث در یکی از صحیحین برای صحت سند کافی است و نیازی به بحث از اسناد احادیث وجود ندارد.

با اینکه اهل سنت اصرار بر معتبر بودن تمام احادیث این کتاب دارند ولی اشکالاتی بر این دو اثر وارد است از جمله: مطالبی در این دو کتاب وجود دارد که از منظر شیعه با عصمت پیامبران ناسازگار است؛ بخاری از ابوهریره نقل می‌کند: «حضرت ابراهیم علیه السلام سه بار دروغ گفت» (بخاری، ۱۴۱۰: ۱۴۱۰).



۳۳۸/۵). و نیز در این کتاب آمده: «حضرت موسی علیه السلام حضرت عزرائیل را کور کرد» (همان، ۳۳۹/۲) و یا اینکه در صحیح مسلم بیان شده: «مردم حضرت موسی علیه السلام را به صورت عریان دیدند» (مسلم بن حجاج، ۱۴۱۲: ۲۶۷/۱) و یا حدیثی که بخاری نقل می‌کند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خاطر فترت وحی قصد خود کشی داشت» (بخاری، ۱۴۱۰: ۳۵۹/۱۰) و امثال این مطالبی که صحت این کتاب را زیر سؤال می‌برد و از درجه اعتبارش می‌کاهد. گفتنی است موارد ضعف در محتوا که بر پایه اعتقادات شیعی نادرست است، ظاهراً با باورهای کلامی اهل سنت ناسازگاری ندارد و بر این اساس صحیح بخاری و صحیح مسلم از دیدگاه آنان صحیح است.

### دسته دوم: کتب بعد از صحیحین از حیث اعتبار

پس از بخاری و مسلم، شماری از نویسندگان نیز درباره کتاب خود ادعای صحت تمام احادیث شان را داشته‌اند. اما این ادعاها با اجماع امت اسلامی (مذاهب اهل سنت) روبرو نشده است. بنابراین مهمترین وجه تمایز دسته دوم با دسته پیشین فقدان اجماع امت اسلامی و تمام صاحب نظران است. البته خواهیم دید که درباره برخی از این آثار بسیاری از اهل نظر نگاه مثبت داشته و آنها را صحیح شمرده‌اند. به‌عنوان نمونه ابن صلاح (م ۶۴۳ ق) در باره کتاب‌های موسوم به صحیح نکته‌ای را به‌صورت عام اشاره می‌کند که درباره تمام کتب صحاح قابل تسری است. او می‌نویسد: «برای تشخیص حدیث صحیح همین کفایت می‌کند در کتابی باشد که مؤلف بر خود شرط کرده باشد، احادیث صحیح را جمع آوری کند مانند صحیح ابی بکر محمد بن خزیمه و صحیح ابی حاتم محمد بن حبان بستی که به تقاسیم و انواع نام گذاری شده است (ابن‌صلاح الکحلانی، ۱۴۱۷: ۶۶/۱). اکنون کتاب‌های دسته دوم بر اساس اعتبار، در سه گروه ارائه می‌شوند که در ذیل به ترتیب اعتبار، بیان می‌شود:

#### ۱. مستخرجات صحیحین

استخراج در لغت از باب استفعال به معنای خارج کردن و بیرون آوردن است و مُسْتَخْرَج اسم مفعول به معنای بیرون آورده شده، است. و در اصطلاح به کتابی گفته می‌شود که مؤلف آن احادیثی از یک کتاب را با سندی که خود از طریق استادان خویش در اختیار دارد، نقل می‌کند. این سند باید با سند کتاب اصلی متفاوت باشد. مستخرج نویسان در حقیقت می‌خواهند اسناد دیگری را از کتاب‌های معتبر و طریق‌های دیگر به خواننده گان ارثه دهند تا مخاطبان آگاهی و اطمینان بیشتری به آن روایات پیدا کنند و مطلبی دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد این است که سند مستخرج باید حداقل در یکی از افراد زنجیره سند با سند کتاب اصلی مشترک باشد، مانند اشتراک دو سند در صحابی (غلامعلی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۹).

بنابراین، اعتبار احادیث مستخرج نزد اهل سنت، در مرتبه پس از صحیحین است. از این رو باید بر احادیث و نویسندگان کتاب‌های مستخرج اعتماد کرد.

مستخرج نگاران صحیح بخاری عبارتند از: ابوبکر احمد بن ابراهیم (م ۳۷۱ ق)، ابوبکر احمد بن محمد برقانی (م ۴۲۵ ق) و ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ ق).

مستخرج نویسان صحیح مسلم عبارتند از: احمد بن حمدان نیشابوری (م ۳۱۱ ق)، ابو عوفه اسفراینی (م ۳۱۶ ق)، ابونصر طوسی (م ۳۴۴ ق) و ابونعیم احمد اصفهانی (م ۴۳۰ ق).

با توجه به آنچه از تعریف مستخرج بیان شد، اعتبار احادیث مستخرج نیز نظیر اعتبار احادیث صحیحین - با اندکی فاصله - است. پس این دسته روایات نیز همگی معتبر است.

## ۲. کتاب‌های نگاشته شده به سبک صحیح

شماری از آثار حدیثی به سبک و روش کتاب‌های صحیح تدوین شده و نویسنده ادعای صحت روایات کتابش را داشته است. شهادت مؤلفان به صحت روایات، مانع از رویگردانی از این آثار شده است. و در ارزیابی مجدد روایات آنها اختلاف است. هرچند بسیاری با تکیه بر حکم و شهادت مؤلفان آنها نیازی به اعتبار سنجی احادیث آنها نمی‌بینند. در اینجا به سه کتاب با ویژگی پیش گفته اشاره می‌شود:

### صحیح ابن خزیمه

مؤلف این کتاب، محمد بن إسحاق بن خزیمه نیشابوری (م ۳۱۱ ق) از علمای شافعی است. ابن‌کثیر (م ۷۷۴ ق) درباره وی می‌نویسد: «ابن خزیمه ملقب است به امام الأئمة و بحری از دریا‌های علم است و او از مجتهدان در دین اسلام بوده است» (ابن‌کثیر، ۱۴۰۸: ۱۱/۱۷۰). وجود حدیث در این کتاب برای حکم کردن به صحتش کافی است؛ زیرا مؤلف این اثر، ملتزم بوده فقط احادیث صحیح را جمع‌آوری کند. در اینجا نظر برخی از صاحب نظران اهل سنت درباره این کتاب، بیان می‌شود:

خطیب بغدادی (م ۴۶۳ ق) می‌گوید: «ابن خزیمه کسی که بر خود شرط کرده احادیثی را بیاورد که راویان آن عادل باشند تا به پیامبر اکرم ﷺ برسد» (ابن خزیمه، ۱۴۲۴: ۲۱/۱). جلال‌الدین سیوطی نیز می‌گوید: «صحیح ابن خزیمه مرتبه و درجه اش از صحیح ابن‌جبان بالاتر است؛ به دلیل اینکه ابن خزیمه تحقیق و بررسی اش بیشتر بوده است تا جایی که به خاطر وجود کمترین اشکال در اسناد توقف می‌کرد و می‌گفت اگر صحیح باشد یا اگر اینگونه ثابت شود (السیوطی، بی تا، ۱۱۵/۱). محقق کتاب، آقای محمد مصطفی الأعظمی درباره این اثر می‌نویسد: «این کتاب مهمترین کتاب بعد از صحیح بخاری و مسلم شمرده می‌شود (ابن خزیمه، ۱۴۲۴: ۳/۱). احمد شاکر از محققان اهل سنت





نظرش این است: «صحیح ابن خزیمه و مسند صحیح ابن حبان و مستدرک حاکم نیشابوری، این سه کتاب بعد از صحیح بخاری و مسلم مهمترین کتبی است که نوشته شده‌اند و بعد از صحیحین به ترتیب، صحیح ابن خزیمه و بعد صحیح ابن حبان سپس مستدرک حاکم قرار دارند» (همان، ۲۴).

### صحیح ابن حبان

کتاب صحیح ابن حبان یا «التفاسیم و الانواع» اثر محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ، ابوحاتم التمیمی البستی (م ۳۵۴ق) از علمای شافعی است (کحالة الدمشق، بی تا، ۱۷۳/۹). وی در مقدمه کتاب می‌گوید: «روایاتی که در این کتاب ذکر شده است از نظر سند مشهورتراند و موثق‌ترین آنها از نظر اعتماد کردن بدون آنکه قدحی در سند آنها و یا جرحی بر راویان آن ثابت شده باشد» (ابن معبّد، ۱۴۰۸: ۱/۱۰۴).

ابن حبان احادیثی را گزینش می‌کرده است که راوی آن دارای شروط پنجگانه باشد: ۱. عدالت در دین؛ ۲. به صدق در حدیث و سخن گفتن شهرت داشته باشد؛ ۳. اطلاع داشتن از علم لغت تا معانی احادیث عوض نشود و همچنین از صناعت حدیث آگاهی داشته باشد تا حدیث موقوف را اسناد ندهد و حدیث مرسل را مرفوع نکند و نیز تصحیف در اسماء ایجاد نکند؛ ۴. علم داشتن به فقه به مقداری که در الفاظ تغییر معنای ایجاد نکند؛ ۵. خبرش از تدلیس عاری و خالی باشد.

ابن حبان بعد از بیان شروط پنج‌گانه می‌گوید: پس هر کسی که این خصلت‌های پنج‌گانه را داشته باشد ما به حدیثش احتجاج می‌کنیم ولی اگر یکی از خصلت‌ها را نداشته باشد، حدیثش قابل احتجاج نیست (همان، ۱۵۱/۱).

محمود طحان نیز در این باره می‌نویسد: گفته شده، صحیح ابن حبان، بعد از صحیحین، اصحّ الکتب است، ولی در تصحیح حدیث تساهل داشته است، لکن تساهل وی به اندازه حاکم نبوده است، نهایتاً وی روایت حسن را صحیح نامیده است (طحان: ۱۸۶).

### صحیح ابن السکن

صحیح ابن السکن که به «الصحيح المنتقى» و به «السنن الصحاح الماثورة عن رسول الله» نامیده می‌شود. این کتابی است که اسنادش حذف شده است، مؤلف، کتابش را به صورت باب بندی نوشته و تمام مواردی که در احکام مورد نیاز بوده را آورده و آنچه از سنن ماثوره در نزدش صحیح بوده را به آن ضمیمه کرده است. برخی از عالمان اهل سنت بر صحت این کتاب اذعان دارند (البخاری الدهلوی، ۱۴۰۶: ۹۴).

### ۳. مستدرک الصحیحین

بعد از آنکه صحیحین نگاشته شد، شماری از نویسندگان بر آن شدن تا اثر بخاری و مسلم را تکمیل و آثاری را به عنوان مستدرک صحیحین خلق کنند. میان مستدرک‌های نگاشته شده، شهرت از آن کتاب حاکم نیشابوری است که در صحت احادیث آن همواره اختلاف بوده است.

محمد بن عبدالله بن محمد بن حمدویه بن نعیم بن حکم ضبی معروف به ابن البیع از اهالی نیشابور (م ۴۰۵ق) مؤلف کتاب المستدرک علی الصحیحین است (الذهبی، ۲۰۰۳: ۸۹/۹). المستدرک علی الصحیحین کتاب مشهوری بر شرط مسلم و بخاری است. طبق مبانی اهل سنت بعد از کتاب صحیحین، در مرحله دوم احادیثی که بر شرط بخاری و مسلم سپس تنها بر شرط بخاری سپس تنها بر شرط مسلم احادیثی را که در این دو کتاب نیامده را، جمع آوری کرده باشند، قرار دارند (النووی، ۱۴۰۵: ۲۸). گفتمی است حاکم نیشابوری احادیث صحیحی را آورده که بنابر شرط هیچکدام از بخاری و مسلم نبوده و از آنها به عنوان «انها صحیحة الاسناد» ذکر کرده است.

درباره اعتبار احادیث این کتاب میان اهل سنت اختلاف وجود دارد؛ عالمان رجال اهل سنت معتقدند از آنجا که حاکم نیشابوری فردی ثقة است، به گفته او بلید اعتماد کرد و احادیث آن را نقل کرد. اما برخی دیگر همچون مالینی (م ۴۱۲ق)، یکی از دانشمندان افراطی اهل سنت است، در این باره می‌گوید: «از اول تا آخر کتاب مستدرک را مطالعه کردم، ولی حتی یک روایت صحیح در آن نیافتم» (الذهبی، ۱۴۰۵: ۱۷۵/۱۷). ذهبی بر نظر فوق خرده گرفته و دیدگاه منصفانه‌ای نسبت به این کتاب دارد و در باره اش چنین می‌نویسد: «در مستدرک اخبار بسیاری بر شرط مسلم و بخاری نقل شده، شاید ثلث کتاب را در بر گیرد و چه بسا کمتر از ثلث هم باشد، براینکه بسیاری از اخبار در ظاهر بر شرط یکی از مسلم یا بخاری است، یا هر دو است ولی در باطن عِلَل خفیه دارد و قسمتی از کتاب اسنادش صالح، حسن و جید است و این ربع کتاب را شامل می‌شود و بقیه کتاب جزء مناکیر و عجائب است و در آخر می‌گوید به هر حال کتاب مفیدی است» (همان، ۱۷۵/۱۷).

محمود طحان درباره این کتاب می‌نویسد: مؤلف احادیثی در این کتاب آورده بنابر شرط شیخین {بخاری و مسلم} یا یکی از آنها بوده است ولی آن دو در کتابشان نیاورده‌اند، همان‌طور که احادیث صحیحی را آورده که بنابر شرط هیچکدام نبوده و از آن به «انها صحیحة الاسناد» یاد کرده است، و چه بسا احادیثی را آورده که صحیح نیستند، ولی به آنها آگاهی داده است. حاکم نیشابوری در تصحیح سند متساهل بوده است و سزاوار است که در مورد احادیث آن تتبع شود که ذهبی در اکثر احادیثش این کار را انجام داده است (طحان، ۱۴۱۵، ص ۳۵).



## گام دوم: صحیح دانستن احکام ائمه حدیث در اعتبارسنجی روایات

گاهی ائمه حدیث و بزرگان جرح و تعدیل، به صحت تمام احادیث کتاب خود، به صورت کلی، تصریح نکرده‌اند، اما حکم حدیث را ذیل روایات، یاد آور شده‌اند؛ به عنوان نمونه آنان ذیل برخی از روایات از این عبارات استفاده کرده‌اند: «هذا حدیث صحیح الاسناد»، «هذا حدیث حسن صحیح»، «هذا حدیث حسن غریب»، «هذا حدیث حسن»، «هذا حدیث رجاله ثقات» و «هذا حدیث منکر». و طبق مبانی اهل سنت اگر حکم حدیثی در گام اول یافت نشد، در گام بعدی رجوع به کتبی می‌شود که صاحب نظران در ذیل برخی از احادیث حکم آنها را مشخص کرده‌اند که در این صورت آن حکم در حق دیگران معتبر خواهد بود. به این قاعده برخی از بزرگان اهل سنت تصریح کرده‌اند. ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) درباره می‌نویسد: «صار علماء اهل الاسلام متفقین علی الاجتجاج بما صححه اهل العلم بالحدیث من ای مصرکان» (الحرانی الحنبلی، بی‌تا، ۳۱۷/۲۰)؛ ابن تیمیه این قاعده را اجماع اهل سنت قلمداد می‌کند. این موارد در کتب سنن مورد اعتماد و مشهور وجود دارد. بزرگانی چون ابوداود سجستانی (م ۲۷۵ق)، ابوعیسی ترمذی (م ۲۷۹ق)، احمد بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ق) و دارقطنی در کتاب‌های سنن خود سعی کرده‌اند تا احکام احادیث را ذیل آنها تبیین کنند. باید دانست وجود حدیث در کتب سنن، التزامی با صحت آنها ندارد؛ زیرا مؤلفان این آثار ملتزم به آوردن حدیث صحیح نبوده‌اند، پس نیاز است مؤلف در موارد مورد نیاز تصریح به صحت احادیث نماید. یا اینکه یکی از بزرگان تصریح به صحت حدیث بکند و با «اسناد صحیح» به دست دیگری رسیده باشد. این نوع حکم کردن در صورتی مورد پذیرش است که توسط امامی که مورد اعتماد و از بزرگان باشد و معروف به تساهل در حکم نباشد. در این صورت نیازی به بررسی سند روایت نیست، مثل احادیثی که ترمذی، آنها را حسن و یا ضعیف دانسته است. احادیث فراوانی هم داریم که بزرگان گذشته حکم حدیث و مرتبه آن مثل حسن، ضعیف، منکر بودن و جعلی بودن را روشن کرده‌اند و باید به نظر آنان اعتماد کنیم. شوکانی در نیل الوطار به این مطلب تصریح دارد جائز است احتجاج به روایتی که یکی از ائمه معتبر تصحیح کرده‌اند که خارج از صحیحین است و همچنین می‌نویسد اگر یکی از ائمه معتبر حدیث روایتی را «حسن» بداند احتجاج به آن جایز است؛ چون عمل به روایت حسن در نزد جمهور اهل سنت جایز است (الشوکانی، ۱۴۱۳: ۲۵/۱). برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود: ابن کثیر (م ۷۷۴ق) روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کنند و در آخر می‌گویند بر شرط مسلم صحیح است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «فُجِّرَتْ أَرْبَعَةٌ أَنْهَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ الْفَرَاتُ وَالنَّيْلُ وَسَيْحَانُ وَجِيحَانُ» وَهَذَا إِسْنَادٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ مُسْلِمٍ» (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۲۶/۱). همانگونه که ملاحظه می‌شود ابن کثیر حکم این روایت را مشخص کرده است و می‌گوید این حدیث بر شرط مسلم صحیح است. در این صورت دیگران از بررسی مجدد سند این روایت بی‌نیاز خواهند بود.

باز وی حدیثی به این شکل نقل می‌کنند که بنا بر شرط مسلم و بخاری صحیح است: «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِعَيْسَى (عليه السلام) وَالْأَنْبِيَاءِ إِخْوَةٌ أَوْلَادٌ عَلَاتٍ وَلَيْسَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَيْسَى نَبِيٌّ. وَهَذَا إِسْنَادٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِهِمَا» (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ۱۱۷/۲). فرق تصحیح این حدیث با قبلی در این است که در اینجا بر شرط بخاری و مسلم صحیح است و در حدیث بالا تنها بر شرط مسلم صحیح بود.

«حدثنا عبدالله حدثني أبي ثنا بهز ثنا حماد بن سلمة لنا قتادة عن مطرف عن عمران بن حصين ان رسول الله ﷺ قال: لا تزال طائفة من أمتي على الحق ظاهرين على من ناوأهم حتى يأتي أمر الله تبارك وتعالى وينزل عيسى بن مريم (عليه السلام)».

شعیب الأرنؤوط درباره این تعلیقه زده و حکم سندش را روش ساخته است: «إسناده صحيح على شرط مسلم» (الشیبانی، بی تا، ۴/۴۲۹).

#### گام سوم: بررسی اسناد روایات فاقد حکم

اهل سنت به سخن ائمه پیشین که در قرون اولیه می‌زیستند و نیز به سخن کسانی که خودشان به صحت احادیث خودشان و یا احادیثی که در کتب دیگر وجود دارد، تصریح کرده‌اند، اعتماد می‌کنند. اگر حکم روایتی در دو مرحله قبل بیان نشده باشد، باید به سند شناسی تک تک راویان روی بیاوریم که با طی کردن پنج مرحله به صحت و سقم روایت می‌رسند.

#### مراحل بررسی اسناد روایات

حکم بسیاری از احادیث توسط علمای سلف بیان نشده است و برای به دست آوردن حکم سند روایت به گفته محمود طحان باید پنج مرحله را طی شود (طحان، ۱۴۱۵: ۱۹۰). قبل از بیان این پنج مرحله به بیان شروط حدیث صحیح نزد اهل سنت می‌پردازیم؛ در نزد آنها زمانی حدیث صحیح شمرده می‌شود که دارای پنج شرط باشد؛ شروط اول عدالت است که باید وثاقت یا عدم وثاقت راوی و سلسله اسانید آن، در هر روایت، مشخص شود. سیوطی عدالت را اینگونه تعریف می‌کند: «کسی است که مسلمان، بالغ، عاقل... و سالم از اسباب فسق و خلاف مروّت باشد» (السیوطی، بی تا، ۱/۳۵۲). شرط دوم ضبط راوی است یعنی حفظ دقیق و کامل سخن و ادای آنچه سماع شده است، به گونه‌ای که برای مخاطب اتقان را به ارمغان آورد. راوی باید حدیث را بدون هیچ کاستی و فزونی، گزارش کند. سیوطی در این رابطه می‌نویسد: «ضبط یعنی اینکه راوی هوشیار و غافل نباشد، اگر از حفظ باز گو می‌کند، حافظه خوبی داشته باشد و اگر از روی کتاب می‌خواند تبدیل و تغییری در آن ایجاد نکند» (همان،



۳۰/۱/۱) شرط سوم اتصال سند است یعنی سند روایت باید متصل باشد و طبقه استاد و شاگرد محفوظ باشد و افتادگی (ارسال) نداشته باشد. شرط چهارم عدم شذوذ در سند و متن است. حدیث شاذ به حدیثی گفته می‌شود که راوی معتبری آن را نقل می‌کند، اما با روایت دیگر که از سوی راوی برتری که نقل شده، مخالف باشد (صبحی الصالح، ۱۹۸۴، ص ۱۹۶) و شرط آخر عدم علت در سند و متن است. علت به معنای عیب پنهانی در حدیث است، اگر چه حدیث، به ظاهر سالم باشد؛ مانند وجود ارسال در سند که در ظاهر به صورت متصل نمایان است. ابن حجر عسقلانی در تعریفش می‌نویسد: «خبری که ظاهرش سالم است و بعد از جستجو و تفحص پی به عیبش برده می‌شود» (المحمدی، ۱۴۲۶: ۳۵۷). بنابراین اگر حدیثی دارای این شروط باشد، به صحت آن حکم می‌شود.

### مرحله اول: راوی شناسی

برای شناختن راوی، بزرگان علم رجال و حدیث کتاب‌های متعددی در این زمینه تالیف کرده‌اند که در انواع متعدد ترتیب و تبویب قرار دارند. این کتب شامل روات عام یا روات خاصی از یک کتاب یا فقط شامل ثقات و یا فقط شامل ضعفاء می‌شود. از این رو بر دانش پژوهش رجالی لازم است ترجمه راوی را، با اطلاعاتی که از قبل دارد مثل اینکه راوی جزء رجال کتب سته است به کتاب ارزشمند «الکمال فی اسماء الرجال» و کتاب‌های که در تکمیل و تلخیص این اثر نوشته شده است، مورد مراجعه قرار می‌دهد و راویانی که نامشان در کتب سته ذکر نشده است به آثاری که درباره رجال شهرها نگارش یافته مثل «تاریخ بغداد» رجوع کرده و با استفاده از دانش طبقات که مهمترین مؤلفه برای تمییز مشترکات است بهره می‌برد و از اوصاف راویان آگاه می‌شود.

### مرحله دوم: بررسی عدالت و ضبط راوی

بعد از شناخت ذات راوی، به کتب تراجمی که بحث از عدالت و ضبط راوی کرده‌اند، مورد مراجعه قرار می‌گیرد و این مطلب بر عهده علماء جرح و تعدیل است که در خلال ترجمه راوی بیان می‌کنند. نکته‌ای که باید توجه شود این است که اگر رجالیان، درباره عدالت فردی سخن گفته و درباره ضبط او سکوت کرده باشند، آن راوی ضابط است. به سخن دیگر اگر راوی، از نظر ضبط احادیث مشکل داشته باشد، وظیفه رجال شناس تذکر دادن به این نکته است. بنابراین در صورت عدم تذکر، راوی از نظر ضبط، عاری از مشکل است (همان، ۱۹۵).

دو نکته در اینجا قابل ذکر است:

نکته اول: در معنای عدالت حتی بین علماء یک فرقه اختلاف شده. سیوطی به تبع از نووی دو شرط اساسی برای راوی تعیین کرده، آن عدالت و ضبط است. آنگاه عدالت را اینگونه تعریف کرده است:

عادل کسی است که مسلمان، بالغ، عاقل و سالم از اسباب فسق باشد و مرتکب خلاف مروّت نشود (سیوطی، بی تا، ۱/۳۵۲). سیوطی عدالت را وسیع معنا کرده؛ بلوغ و عاقل را در معنای آن داخل کرده است و حال آنکه برخی از صاحب نظران این را قبول ندارند. صبحی صالح به نقل از علماء اهل سنت می نویسد: عدالت یعنی استقامت کامل در شؤن دینداری و سلامت کامل از تمام فسوق و خلاف مروّت است (صبحی صالح، ۱۹۸۴: ۱۲۹).

نکته دوم: اگر در عدالت راوی بین صاحب نظران اختلاف شود یعنی برخی از علماء رجال راوی را توثیق کنند و برخی دیگر در صدد تضعیف او برآمده باشند، سه دیدگاه در این صورت مطرح شده است. به گفته ابن صلاح در مقدمه اش، نظر جمهور علماء اهل سنت تقدیم جرح بر تعدیل است (ابن صلاح، ۱۴۰۶: ۱۰۹).

#### مرحله سوم: بررسی اتصال سند

قاعده کلی در میان اهل سنت این است که چنانچه عبارت های «اخبرنا» یا «حدثنا»، در حدیثی بیان شود تا دلالت بر سماع حدیث کند و این نص در اتصال سند حدیث است. ولی اگر معنعن باشد، یعنی به صورت «عن فلان، عن فلان...». باشد، احتمال تدلیس در حدیث وجود دارد، در این صورت باید به دانش طبقات رجوع کرد تا از اتصال سند، اطمینان حاصل شود و یا به رجالیان رجوع شود تا اطمینان حاصل شود که آنها راوی را به تدلیس متهم نکرده باشند (الشرقاوی الازهری، ۱۴۳۲: ۳۱). از این رو دو محدث بزرگ اهل سنت، بخاری و مسلم بر احیای معنعن شرطی را برای این منظور لحاظ کرده اند؛ مسلم معاصر بودن راوی و مروی عنه را کافی می داند اگر چه باهم ملاقات نکرده باشند اما بخاری علاوه بر هم عصر بودن ملاقات آن دو را نیز شرط می داند (البخاری الدهلوی، ۱۴۰۶: ۵۱).

یکی از چالش های بزرگ اهل سنت در این بحث، تدلیس در اسناد روایات است. تدلیس در سند به این معناست که راوی از معاصر خود که او را ملاقات کرده است ولی از او سماع نکرده است، روایتی کند، که موهم سماع باشد و یا راوی از معاصر خود که او را ملاقات نکرده است طوری روایت کند که موهم سماع مستقیم باشد. مانند روایت علی بن خشرم که می گوید پیش سفیان بن عیینه بودم که گفت: «زهري چنین گفته است» به سفیان چنین گفته شد: آیا این مطلب را شنیده ای؟ گفت: «نه، عبدالرزاق از معمر و او از ایشان این مطلب را برای من نقل کرده است» (صبحی صالح، ۱۹۸۴: ۱۷۵).

تدلیس آنقدر در میان راویان اهل سنت رواج داشته است که بزرگترین محدثانی مثل ابن عیینه و هشیم که دو امام حدیث هستند تدلیس کرده اند در حالی که موصوف به امانت و حفظ و ضبط شده اند (همان، ۱۷۵). سیوطی در کتاب تدریب الراوی به این وضعیت وخیم با نقل جمل های کوتاهی از



ابن عبدالبرّ اشاره می‌کنند: «کسانی که تدلیس نکرده‌اند بسیار اندک هستند» (سیوطی، بی تا، ۲۵۶/۱). با این بیان برای احراز اتصال در اسناد روایات اهل سنت چالش اساسی وجود دارد. از این رو به نظر می‌رسد شرط بخاری مبنی بر اینکه علاوه بر هم‌عصر بودن روای و مروی عنه، ملاقات آن دو را شرط باشد، مصاب‌تر است.

### مرحله چهارم: بررسی شدوذ و عِلّت

بحث از شدوذ و علت حدیث، امری سخت‌تر و مشکل‌تر از عدالت و ضبط راویان است؛ زیرا پی بردن به این دو امر، چه به صورت اثبات و چه به صورت نفی، فقط کسانی توانایی چنین عملی را دارند که اطلاع زیادی درباره متون حدیث و اسناد داشته باشند تا بتوانند تشخیص دهند. و امکان دارد عالم رجالی به تمام طرق و اسناد اطلاع داشته باشد ولی نتواند به عدلت و شدوذ پی ببرد (طحّان، ۱۴۱۷: ۱۹۷).

از آنجایی که شناخت این دو امر نیازمند مهارت خاصی است و از عهده هر شخصی بر نمی‌آید از این رو برای شناخت این دو امر به کتاب‌های که در این زمینه وجود دارد باید مراجعه شود. معروف‌ترین آنها عِلل الحدیث دارقطنی است. کتاب‌های دیگری نیز در این زمینه هستند از جمله؛ عِلل الحدیث ابن ابی حاتم رازی، العِلل الکبیر و العِلل الصغیر ترمذی، العِلل و معرفة الرجال احمد بن حنبل، التاریخ الکبیر بخاری، المعجم الاوسط طبرانی و العِلل ابن مدینی، اگر روای در این آثار به «معلّل» جرح نشده باشد، آن شخص، مشکلی نخواهد داشت.

### مرحله پنجم: بیان حکم سند

بعد از اینکه چهار مرحله قبلی به درستی طی شد، نوبت به بیان حکم سند روایت می‌رسد که مقصود از آن مشخص کردن مرتبه روایت است که عبارت‌اند از: صحیح، حسن، ضعیف و جعلی بودن روایت.

### بررسی عملی اسناد

در بررسی اسناد روایات احادیث اهل سنت، نسبت به کتاب‌های روایی به دو شیوه مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

### الف. روش بررسی اسناد روایات در کتب سته

کتاب‌های شش‌گانه به لحاظ اهمیتی که داشته‌اند، کتب رجالی خاصی برای آنها تدوین شده است که از مهمترین آنها «الکمال فی اسماء الرجال» تألیف ابومحمد عبدالغنی بن عبدالواحد مقدسی جماعیلی (م ۶۰۰ ق) است. در این اثر تمامی راویان صحاح شش‌گانه اهل سنت به همراه شرح حال آنها بیان شده است. اما بنا به گفته خود او، به جهت اختلاف نسخه‌ها یا از سر خطا، احتمالاً مواردی را از قلم انداخته است؛ همچنین بسیاری از آرا و اسناد را برای اختصار حذف کرده است.

از ویژگی‌های «الکمال» است: مشخص کردن مواضع ذکر نام راوی در هریک از صحاح شش‌گانه؛ آغاز شدن کتاب با شرح حال مختصر رسول خدا ﷺ به نقل از ابن‌هشام؛ تقدم ذکر نام صحابه پیامبر ﷺ بر دیگر راویان (ابتدا عشره مبشره و سپس دیگر صحابیان و به دنبال آن زنان صحابی)؛ تقدم ذکر راویانی که نامشان محمد است بر دیگران و سپس ذکر سایرین به ترتیب حروف الفبا.

جمال‌الدین مزی (م ۷۴۲ق)، با توجه به فواید «الکمال» درصدد رفع اشکالات و تکمیل آن برآمد؛ به این ترتیب «تهذیب الکمال»، به‌رغم تصور برخی، فقط خلاصه «الکمال» نیست. وی در تکمیل «الکمال» علاوه بر راویان صحاح شش‌گانه، نام بسیاری از راویانی را که در دیگر کتاب‌های صاحبان صحاح آمده است، افزود. وی در مجموع بیش از ۱۷۰۰ نام به «الکمال» افزوده است.

او شرح حال برخی اشخاص را که در نام و طبقه با راویان صحاح شش‌گانه مشابهت دارند، ولی از راویان این کتاب‌ها نبوده‌اند، برای رفع اشتباه آورده است. همچنین نام استادان و شاگردان هر راوی و اطلاعات بسیار دیگری بر شرح احوال افزوده است (رحمان ستایش، بی‌تا، ص ۲۱۶)

#### ب. بررسی اسناد روایات در غیر کتب سته

روایاتی که در غیر کتب سته آمده دارای دو حالت است:

۱. اگر نویسنده کتاب با راویان و مؤلفان کتب سته و یا حتی با مشایخ مؤلفان کتب سته معاصر باشد، در این صورت برای بررسی سند این کتاب‌ها به همان کتبی که برای روات سته نوشته شده مراجعه می‌شود؛ زیرا نویسندگان این روایات با نویسندگان کتب سته هم طبقه بوده و به احتمال قوی در برخی مشایخ با کتب سته مشترک‌اند. در این قسمت هم کتاب تقریب التهذیب به دلیل متعددی از جمله اختصارگویی آن، تا حدّ زیادی کارگشا است.

۲. کتاب‌های که در دوره‌های بعد از کتب سته (مثلاً در قرن چهارم، پنجم، و ششم) مانند سنن دارقطنی یا کتاب المستدرک حاکم نیشابوری که با بخاری، مسلم، نسائی و ترمذی هم طبقه نبوده‌اند، نوشته شده‌اند. برای بررسی سندی این کتب به آثاری که در رابطه با رجال شهرها نوشته شده مراجعه می‌شود؛ چون یکی از شیوه‌های نگارشی اهل سنت، نگارش رجال شهرها است. از این رو باید بررسی شود که نویسنده آن کتاب، اهل کجا است و در کدام یک از مراکز حدیثی اهل سنت تحصیل کرده است. با مراجعه به این دسته از آثار، زندگی‌نامه و ترجمه راوی به دست می‌آید. به‌طور مثال خطیب بغدادی (م ۴۶۳ق) از جمله افرادی است که چنین کتابی را تألیف کرده است. وی مشخصات دانشمندان بغداد را در کتاب تاریخ بغداد جمع‌آوری کرده است.





## نتیجه‌گیری

اهل سنت در مراحل بررسی اسناد روایات، کتاب محوری عمل می‌کنند؛ به این شیوه که در مرحله نخست به کتب صحاح مراجعه می‌کنند که مشهورترین و معروف‌ترین آنها صحیح بخاری و صحیح مسلم است. ایشان به این دو اثر نگاه ویژه‌ای دارند و مدعی هستند که اجماع امت بر آن شده که روایات این دو کتاب صحیح هستند. این عقیده از شهادت مؤلفانشان بر صحت احادیثشان نشأت گرفته است. بعد از این دو اثر به کتبی که از حیث صحت در مرتبه بعدی قرار دارند، مورد مراجعه قرار می‌گیرد. گرچه در این کتب از حیث اعتبار در یک سطح نبوده و در مورد آنها برخی تأملاتی وجود دارد. و در مرحله دوم از نظرات ائمه حدیث با دو ویژگی معتمد بودن و متساهل نبودن، بهره می‌برند که در ذیل برخی از احادیث، درجه اعتبار حدیث را مشخص کرده‌اند؛ چون از نظر آنان تکرار بحث بی‌فایده است و آنها به صحت و سقم روایت واقف بوده‌اند و در پایان اگر حدیثی در این دو مرتبه یافت نشد به بیان محمود طحان سند روایت در پنج مرحله مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## فهرست منابع

١. ابن الصلاح، عثمان بن عبدالرحمن، أبو عمرو، تقي الدين، معرفة أنواع علوم الحديث، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٣ق.
٢. ابن خزيمة، ابوبكر محمد بن إسحاق، صحيح ابن خزيمة، المكتب الإسلامي: ١٤٢٤ق.
٣. ابن صلاح الكحلاني، أبي إبراهيم محمد بن إسماعيل، توضيح الأفكار لمعاني تنقيح الأنظار، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٧ق.
٤. ابن كثير، ابوالفداء إسماعيل بن عمر، البداية والنهاية، ويرايش: على شيرى، دار إحياء التراث العربى ١٤٠٨ق.
٥. ابن مَعْبَد، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ، الإحسان فى تقريب صحيح ابن حبان، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٨ق.
٦. البخارى الدهلوى، عبدالحق بن سيف الدين بن سعد الله، مقدمة فى أصول الحديث، بيروت: دارالبشائر الإسلامية، ١٤٠٦ق.
٧. البخارى، محمد بن اسماعيل، التاريخ الكبير، دارالفكر، بى تا.
٨. البغدادي الدارقطني، على بن عمر ابوالحسن، سنن الدارقطني، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٨٦م.
٩. الحرانى الحنبلى، ابوالعباس أحمد عبدالحليم ابن تيميه، كتب ورسائل وفتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية الحرانى الحنبلى، مكتبة ابن تيميه، بى تا.
١٠. الحرانى الحنبلى، ابوالعباس أحمد عبدالحليم ابن تيميه، مجموع الفتاوى، بى تا.
١١. الحسينى البخارى القنوجى، ابوالطيب محمد صديق خان بن حسن بن على ابن لطف الله، الحطة فى ذكر الصحاح الستة، بيروت: دارالكتب التعليمية، ١٤٠٥ق.
١٢. الخطيب البغدادي، ابوبكر أحمد بن على بن ثابت، تاريخ بغداد، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٧ق.
١٣. رحمان ستايش، محمد كاظم، كتب رجال اهل سنت، قم: دارالحديث، بى تا.
١٤. الذهبى، شمس الدين ابوعبدالله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، دارالغرب الإسلامى، ٢٠٠٣م.
١٥. المذهبى، شمس الدين ابوعبدالله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز، سير أعلام النبلاء، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ق.
١٦. الذهبى، شمس الدين ابوعبدالله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز، ميزان الاعتدال فى نقد



الرجال، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۹۹۵م.

۱۷. السخاوی، شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمن، فتح المغیث، لبنان: دارالکتب العلمية، ۱۴۰۳ق.

۱۸. السیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر، تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای، دار طیبه، بی‌تا.

۱۹. الشرقاوی الأزهری، رضا بن زکریا بن محمد، الارشاد الی کیفیت دراسة الاسناد، مكتبة الايمان، ۱۴۳۲ق.

۲۰. الشوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبدالله، نیل الأوطار، مصر، دارالحدیث، ۱۴۱۳ق.

۲۱. الشیبانی، أحمد بن حنبل ابوعبدالله، مسند الإمام أحمد بن حنبل، قاهره: مؤسسة قرطبة، بی‌تا.

۲۲. الشیبانی، أحمد بن حنبل ابوعبدالله، مقدمه فتح الباری، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۸ق.

۲۳. المحدثی، ابوذر عبدالقادر بن مصطفى بن عبدالرزاق، الشاذ والمنکر وزيادة الثقة - موازنة بين المتقدمين والمتأخرين، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۲۶ق.

۲۴. الثوری، السيد ابوالمعاطی و دیگران، الجامع فی الجرح والتعديل، المزروع، بیروت: بنایة الايمان، ۱۴۱۲ق.

۲۵. النووی، التقریب والتیسیر لمعرفة سنن البشیر النذیر فی أصول الحدیث، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۵ق.

۲۶. النووی، ابو زکریا یحیی بن شرف بن مری، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۳۹۲م.

۲۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره: جمهورية مصر العربية، وزارة الاوقاف، ۱۴۱۰ق.

۲۸. بدرالدین، أبی عبدالله محمد بن جمال‌الدین عبدالله بن بهادر، النکت علی مقدمة ابن الصلاح، ریاض: أضواء السلف، ۱۴۱۹ق.

۲۹. صبحی الصالح، إبراهیم، علوم الحدیث ومصطلحه، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۴م.

۳۰. طحّان، محمود، اصول التخریج و دراسة الاسانید، ریاض: مكتبة المعارف للنشر و التوزیع، ۱۴۱۷ق.

۳۱. طحّان، محمود، تیسیر مصطلح الحدیث، مرکز الهدی للدراسات، ۱۴۱۵ق.

۳۲. غلامعلی، مهدی، سبک شناخت کتاب‌های حدیثی، تهران: سمت و دانشکده علوم حدیث، ۱۳۹۰م.
۳۳. عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبدالغنی، معجم المؤلفین، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
۳۴. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ق.



## Bibliography

1. 'Umar bin Rida bin Mohammad Raghīb bin 'Abd al-Ghani, *Mu'jam al-Mu'allifin (Encyclopedia of Authors)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, n.d.
2. Al-Baghdadi al-Darqutni, Ali bin Umar Abu al-Hassan, *Sunnan al-Daraqutni (The Sunnah of al-Daraqutni)*, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1386 AH (1966 CE).
3. Al-Bukhari al-Dihlawi, Abdul Haq bin Saif al-Din bin Sa'adullah, *Muqaddimah fi Usul al-Hadith (Introduction to the Principles of Hadith)*, Beirut: Dar al-Bashair al-Islamiyyah, 1406 AH (1986 CE).
4. Al-Bukhari, Mohammad bin Ismail, *Al-Tarikh al-Kabir (The Great History)*, Dar al-Fikr, n.d.
5. Al-Dhahabi, Shams al-Din Abu Abdullah Mohammad bin Ahmad bin Uthman bin Qayimaz, *Tarikh al-Islam wa Wafayyat al-Masha'ir wa al-'alam (History of Islam and the Deaths of Notables and Scholars)*, Dar al-Gharb al-Islami, 2003 CE.
6. Al-Dhahabi, Shams al-Din Abu Abdullah Mohammad bin Ahmad bin Uthman bin Qayimaz, *Siyar A'lam al-Nubala (Biographies of the Nobles)*, Al-Risalah Foundation, 1405 AH (1985 CE).
7. Al-Dhahabi, Shams al-Din Abu Abdullah Mohammad bin Ahmad bin Uthman bin Qayimaz, *Mizan al-I'tidal fi Naqd al-Rijal (The Balance of Moderation in Criticizing the Science on Narrators)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1995 CE.
8. Al-Harrani al-Hanbali, Abu al-Abbas Ahmad Abdul Halim bin Taymiyyah, *Kutub wa Risalat wa Fatawa Shaykh al-Islam Ibn Taymiyyah al-Harrani al-Hanbali (Books, Epistles, and Fatwas of Shaykh al-Islam Ibn Taymiyyah al-Harrani al-Hanbali)*, Ibn Taymiyyah Publications, n.d.
9. Al-Harrani al-Hanbali, Abu al-Abbas Ahmad Abdul Halim bin Taymiyyah, *Majmu' al-Fatawa (Compilation of Fatwas)*, n.d.
10. Al-Hosseini al-Bukhari al-Qinnuji, Abu al-Tayyib Mohammad Sadiq Khan bin Hassan bin Ali Ibn Lotfallah, *Al-Hittah fi Dhikr al-Sahih al-Sittah*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ta'limiyyah, 1405 AH (1985 CE).
11. Al-Khatib al-Baghdadi, Abu Bakr Ahmad bin Ali bin Thabit, *Tarikh Baghdad (History of Baghdad)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1417 AH (1996 CE).
12. Al-Mohammadi, Abu Zur Abdul Qadir bin Mustafa bin Abdul Razzaq, *Al-Shadh wal-Munkar wa Ziyadat al-Thiqa - Muwazanah Bayn al-Mutaqaddimin wal-Muta'akhirin (The Odd, the Denounced, and the Increase of Trust - Comparison Between the Early and Later Scholars)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1426 AH (2005 CE).
13. Al-Nawawi, Abu Zakariya Yahya bin Sharaf bin Murei, *Al-Minhaj Sharh Sahih Muslim bin al-Hajjaj (The Method: Explanation of Sahih Muslim by Muslim bin al-Hajjaj)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1392 AH (1972 CE).
14. Al-Nawawi, al-Seyyed Abu al-Mua't et al., *Al-Jami' fi al-Jarh wa al-Ta'dil (Comprehensive Collection on Criticism and Accreditation)*, Al-Mazar'ah, Beirut: Binayat al-Iman, 1412 AH (1991 CE).
15. Al-Nawawi, *Al-Taqrīb wa al-Taysir li Ma'rifah Sunan al-Bashir al-Nadhir fi Usul al-Hadith (Facilitation and Simplification for Understanding the Practices of the Prophet in the Fundamentals of Hadith)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1405 AH (1985 CE).

16. Al-Sakhawi, Shams al-Din Mohammad bin Abdul Rahman, *Fath al-Mughith (The Victory of the Rescuer)*, Lebanon: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1403 AH (1983 CE).
17. Al-Sharqawi al-Azhari, Rida bin Zakariya bin Mohammad, *Al-Irshad ila Kayfiyyat Dirasat al-Asanid (Guidance on the Method of Studying Chains of Transmission)*, Maktabah al-Iman, 1432 AH (2011 CE).
18. Al-Shawkani, Mohammad bin Ali bin Mohammad bin Abdullah, *Nail al-Awtar (The Attainment of Goals)*, Egypt, Dar al-Hadith, 1413 AH (1992 CE).
19. Al-Shaybani, Ahmad bin Hanbal Abu Abdullah, *Mukaddimah Fath al-Bari (Introduction to the Explanation of Sahih al-Bukhari)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1408 AH (1988 CE).
20. Al-Shaybani, Ahmad bin Hanbal Abu Abdullah, *Musnad al-Imam Ahmad bin Hanbal (The Musnad of Imam Ahmad bin Hanbal)*, Cairo: Maktabah Qurtubah, n.d.
21. Al-Suyuti, Abdul Rahman bin Abi Bakr, *Tadrib al-Rawi fi Sharh Taqrib al-Nawawi (Training the Narrator in Explaining Nawawi's Abridgment)*, Dar Tayyibah, n.d.
22. Badr al-Din, Abu Abdullah Mohammad bin Jamal al-Din Abdullah bin Bahadpr, *Al-Nukat 'ala Muqaddimaj Ibn al-Salah (Annotations on Ibn al-Salah's Introduction)*, Riyadh: Adwa al-Salaf, 1419 AH (1998 CE).
23. Bukhari, Mohammad bin Ismail, *Sahih al-Bukhari*, Cairo: Republic of Egypt, Ministry of Awqaf, 1410 AH (1989 CE).
24. Gholamali, Mehdi, *Sabk Shinakht-e Kutub-e Hadisi (Style of Recognizing Hadith Books)*, Tehran: SAMT and 'Ulum-e Hadith Department, 1390 SH (2011 CE).
25. Ibn al-Salah, Othman bin Abdul Rahman, Abu Amr, Taqi al-Din, *Ma'rifah Anwa' 'Ulum al-Hadith (Understanding the Types of Hadith Sciences)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1423 AH (2002 CE).
26. Ibn Kathir, Abu al-Fida Ismail bin Umar, *Al-Bidayah wa al-Nihayah (The Beginning and the End)*, Edited by Ali Shiri, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1408 AH (1988 CE).
27. Ibn Khuzaymah, Abu Bakr Mohammad bin Ishaq, *Sahih Ibn Khuzaymah*, Islamic Office: 1424 AH (2003 CE).
28. Ibn Ma'bad, Mohammad bin Hibban bin Ahmad bin Ma'az, *Al-Ihsan fi Taqrib Sahih Ibn Hibban*, Beirut, Al-Risalah Foundation, 1407 AH (1987 CE).
29. Ibn Salah al-Kahlani, Abu Ibrahim Mohammad bin Ismail, *Tawdih al-Afkar li Ma'ani Tanqih al-Anzar (Clarification of Thoughts on the Meanings of Cleaning the Sights)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1417 AH (1996 CE).
30. Muslim bin Hajjaj, *Sahih Muslim*, Cairo: Dar al-Hadith, 1412 AH (1992 CE).
31. Rahman Stayesh, Mohammad Kazim, *Kutub Rijal Ahl al-Sunnah (Sunni Books of the Science on Narrators' Biographies and Bibliographies)*, Qom: Dar al-Hadith, n.d.
32. Sobhi al-Salih, Ibrahim, *Al-Ulum al-Hadith wa Mustalahahu (The Sciences of Hadith and Its Terminology)*, Beirut: Dar al-Ilm lil-Malayin, 1984 CE.
33. Tahhan, Mahmoud, *Taysir Mustalah al-Hadith (The Terminology of Hadith Made Easy)*, Markaz al-Huda lil-Dirasat, 1415 AH (1994 CE).
34. Tahhan, Mahmoud, *Usul al-Takhrij wa Dirasat al-Asanid (The Principles of Extraction and the Study of Chains of Narrators)*, Riyadh: Maktabah al-Ma'arif lil-Nashr wa al-Tawzi', 1417 AH (1997 CE).